

بسم الله الرحمن الرحيم

الكلام في شروط المتعاقدين

صفحه ی ۲۸۲ و ۲۸۳

جلسه ششم

۲۱ شهریورماه ۱۴۰۰

استاد شورگشتی

### توضیح

مرحوم شیخ در صفحات قبل شروط متعاقدين دلالت حديث رفع بر مسلوب العبارة بودن صبی را نپذیرفت و نپذیرفتن ایشان نیز جنبه ی جدلی داشت و جواب حلی در این خصوص ارائه نشد. روایتی هم در صفحه ی قبل ذکر کردند که از باب استیناس به این روایت تمسک کردند که بعداً خواهیم گفت که قرائنی وجود دارد که نشان می دهد این روایت مخصوص باب جنایات است نه همه ی ابواب.

بل يمكن بملاحظة بعض ما ورد من هذه الأخبار في قتل المجنون والصبي استظهار المطلب من حديث «رفع القلم»

روایتی وجود دارد که دو روایت عمد الصبی و خطأه واحد و حديث رفع را با هم در یک جا جمع کرده است. این در حالی است که اگر این دو در یک روایت جمع شوند، به دلالت حديث رفع بر مدعای مشهور کمک می کنند.

شیخ در صفحه ی ۲۷۸ استظهار نکرد که منظور از رفع قلم ، رفع جميع احکام است حتی وضعیه اما در اینجا می فرماید که می شود چنین چیزی را استظهار کرد.

وهو ما عن قرب الإسناد بسنده عن أبي البختري ، عن جعفر ، عن أبيه ، عن علي عليه السلام

کتاب قرب الاسناد از عبدالله بن جعفر حمیری است که از بزرگان شیعه در دوران امام هادی و امام عسکری سلام الله علیهما است و در دوران غیبت صغری هم بوده. این کتاب مشتمل بر ۱۴۰۰ روایت است. هم می توانیم قرب الإسناد بخوانیم و هم الأسناد. وجه تسمیه هم

این است که روایاتی را بیان می کند که سند های کوتاهی در آن بیان شده و فاصله ی چندانی بین امام و راوی وجود ندارد.

### أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي الْمَجْنُونِ وَالْمَعْتَوَةِ الَّذِي لَا يَفِيْقُ

در بیان معنای شخص معتوه می توان گفت که معتوه شخص عقب مانده ای است که ساکت است اما در مواردی هم مسائل را می فهمد اما مجنون سر و صدا دارد و کلاً نمی فهمد.

### وَالصَّبِيِّ الَّذِي لَمْ يَبْلُغْ

صبی که بالغ نشده هم به معنای صبی شرعی است چون در عرف به شخص ۱۷ ساله هم می گویند صبی.

### « عَمْدُهُمَا خَطَا تَحْمِلُهُ الْعَاقِلَةُ وَقَدْ رَفَعَ عَنْهُمَا الْقَلَمُ »

در شرح لمعه گذشت که اگر جنایت از شخص بالغ و عاقل عمدی باشد، حکمش قصاص است و اگر شبه خطا (جایی که قصد فعل باشد ولی قصد کشتن نباشد مثل طبیب) باشد حکمش دیه است ولی دیه به گردن خودش است. اگر خطای محض باشد (یعنی جایی که نه قصد فعل باشد و نه قصد کشتن مثل تصادفات) حکمش دیه است اما دیه به گردن عاقله است نه خود شخص. حال حضرت امیر علیه السلام در مورد صبی و مجنون فرموده که اگر از روی عمد هم شخصی را به قتل برسانند، خطای محض محسوب می شود و طبق حکمی که در لمعه بیان شد، عاقله باید این دیه راپردازند.

چه این رفع قلم ذکر شده چه علت باشد و چه معلول، می فهماند که افعال صبی سببیت برای حَتّی دیه ی نسبت به خود او ندارد و فعل او هیچ اثری ندارد مثل جایی که حیوانی کسی را به قتل برساند هیچ حکمی بر او نیست و اگر دیه ای هم باشد باید از صاحبش اخذ شود نه از خود حیوان. پس وضعیات هم از صبی مرتفع می باشد.

فإن ذكر «رفع القلم» في الذيل ليس له وجه ارتباط إلا بأن تكون علة لأصل الحكم ، وهو ثبوت الدية على العاقلة ، أو بأن تكون معلولة لقوله : «عمدهما خطأ» ، يعني أنه لما كان قصدهما بمنزلة العدم في نظر الشارع وفي الواقع رفع القلم عنهما.

چون قصد صبی و مجنون در نظر شارع و در صورت قطع از نظر شارع یعنی در واقع و نفس الامر به منزله ی عدم است ، هرگونه اعتباری از این دو رفع شده.

ولا يخفى أنَّ ارتباطها بالكلام على وجه العلّة أو المعلوليّة للحكم المذكور في الرواية) أعني عدم مؤاخذه الصبي والمجنون بمقتضى جناية العمد وهو القصاص ، ولا بمقتضى شبه العمد وهو الدية في مالهما) لا يستقيم إلا بأن يراد من «رفع القلم» ارتفاع المؤاخذه عنهما شرعاً من حيث العقوبة الأخروية والدينية المتعلقة بالنفس كالقصاص أو المال كغرامة الدية وعدم ترتّب ذلك على أفعالهما المقصودة المتعمّد إليها ممّا لو وقع من غيرهما مع القصد والتعمّد لترتّبت عليه غرامة أخروية أو دنيوية.

ارتباط این رفع قلم با روایت چه به نحو علت و چه به نحو معلول ، مدعای مشهور را می رساند که می گویند جمیع اعتبارات وضعیه از صبی رفع شده. هم عقوبت اخروی که خود مرحوم شیخ هم قائل به این مورد بود. و هم عقوبت دنیویه اعم از عقوبت متعلق بر نفس که قصاص است یا متعلق به مال که از مال خود صبی گرفته شود البته اگر مالی داشته باشد.

اگر فعلی از روی قصد و عمد از غیر صبی و مجنون سر بزند عقوبت دنیوی و اخروی شامل حالش می شود ولی در رابطه با صبی و مجنون چنین چیزی مترتب نمی شود.

وعلى هذا ، فإذا التزم على نفسه مالا بإقرارٍ أو معاوضةٍ ولو بإذن الوليّ ، فلا أثر له في إلزامه بالمال ومؤاخذته به ولو بعد البلوغ فإذا لم يلزمه شيء بالتزاماته ولو كانت بإذن الولي ، فليس ذلك إلا لسلب قصده وعدم العبرة بإنشائه

به دلیل اینکه این پاراگراف در جلسه ی بعدی به صورت مفصل توضیح داده شده از تقریر جلسه ی بعدی استفاده کنید. با تشکر